

شرح الھیات شفای

بوعلی سینا

(شفاء القلوب)

تالیف

ایات الدین منصور دشتکی

تحقیق

علی وجبی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

مقدمه مصحح		٦
١. دور‌نمایی از حیات شهاب‌الدین منصور دشتکی		٦
٢. دشتکی به روایت اسکرری		پانزده
٣. آثار دشتکی		چهل و چهار
الف. علوم قرآنی و روایی		چهل و چهار
ب. منطق		چهل و پنج
ج. فلسفه و کلام		چهل و شش
د. عرفان و حکمت عملی		چهل و ٦
هـ. علوم و فنون		پنجاه
ریاضیات		پنجاه
نجوم		پنجاه و یک
پزشکی		پنجاه و دو
و. چنددانشی		پنجاه و دو
ز. ادبیات		پنجاه و سه

- ح. اجازه‌ها..... پنجاه و سه
۴. اهمیت و جایگاه دشتکی پنجاه و چهار
- الف. جامعیت پنجاه و چهار
- ب. دفاع از فلسفه یا دفاع از پدر..... پنجاه و چهار
- ج. نقش او در توسعه فلسفه شصت و یک
۵. اثر حاضر شصت و دو
۱. شفاء القلوب..... شصت و دو
- بها، حاسی و شروح آن شصت و شش
- تجوهر و سام هفتاد
۶. روش تصحیف و معنی نسخه‌های اساس..... هفتاد و یک

شفاء القلوب..... ۱

البحث الأول - [فی أن إثبات العادة و الصورة و الجزء الذى لا يتجزى و

تناهى الأبعاد طبعی]..... ۱۷

البحث الثانى - [فى تجزیه أجزاء الجسم]..... ۲۱

البحث الثالث - [فى عروض التناهى للجسم]..... ۲۵

توضیحات..... ۲۹

الفصل الثالث - فى منفعة هذا العلم..... ۴۷

الفصل الرابع - فى جملة ما يتكلم..... ۶۱

الفصل الخامس - [فى الدلالة على الشئ و الموجود]..... ۶۷

تجوهر الأجسام..... ۱۳۳

- المقالة الأولى - فى تحرير دعواه ۱۳۹
- المقالة الثانية - فى ما دعاه إلى دعواه ۱۴۵
- المقالة الثالثة - [فى النفس و تجزّدها؛ و المعاد الجسمانى و الروحانى] ۱۴۹

۱. آيات و روايات ۱۵۹
۲. اشخاص ۱۶۱
۳. گروه ۱۶۳
۴. كتابها ۱۶۵
۵. اصطلاحها و موضوعها ۱۶۷
- منابع و مأخذ ۱۶۹

مَقَلَّمَةُ مَصَحِّح

۱. دور نمایی از حیات غیاث الدین منصور دشتکی

منصور بن صدرالدین محمد دشتکی^۱، ملقب به غیاث الدین، از مشاهیر سده دهم هجری در سال ۸۶۶ ق در شیراز زاده شد؛ و پیش از ۹۵۰ ق در همان شهر درگذشت^۲ و پیکر معجزه‌آسا^۳ در مدرسه منصوریه که پدرش به نام او بنا نهاده بود، به خاک سپرده شد^۴. او خاندان دشتکی همگی به فضل و دانش و حکمت شهره یافتند،^۵ و او

۱. «دشتک» از محله‌های قدیمی شیراز که مدرسه منصوریه نیز در آنجا بنا شده است.

۲. در سالمرگی وی اختلاف است: مورخان سالهای ۹۴۰، ۹۴۸ و ۹۴۹ را تاریخ وفات او دانسته‌اند.

۳. ر.ک: فارستامه ناصری، ج ۲، ص ۱۲۲۱.

۴. از جمله آنها می‌توان به سید علی‌خان مدنی صاحب کتاب سلافة العصر و سید ضیاءالدین عربشاه (درگذشته ۶۷۵ ه. ق) و صدرالدین محمد مشهور به سید سند

در چنین فضایی رشد کرد.

از نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. شاهد آن اینکه در سن چهارده سالگی داعیه مناظره با دوانی را داشت؛ و در سن بیست سالگی از فراگیری تمامی دانشهای معمول عصر خود فراغت یافت.^۱

جامعیت او در دانشهای منقول و معقول^۲ و تسلط وی بر علوم چون ریاضیات، نجوم،^۳ پزشکی^۴ و حتی علوم غریبه^۵ مورد اعتراف مورخان و

→ اشاره کرد. غایب الدیر منصور در ضمن اجازه‌ای سلسله‌آبای خود را به حضرت علی بن ابی طالب متصل کرده چنین آورده است: «لی أشیخ منهم أولاً أبی و شیخی و هو من أشاع غوامض الحرام و حجب و نشر بخیث لقب استاد البشر و العقل الحادی عشر، إمام الحکمة، ناصر الشرع، منصور - قدس الله سره - و هو یروی العلوم الشرعیة کلها و المنقولات المرویة - بها - من أبیه الصدر الشہید عن عمه السید الأئید، نظام الحق و الدین، سلطان المحدثین و المفسرین، برهان الوعظ و المذکرین، أحمد بن إسحاق بن إبراهیم بن محمد و عن أبیه طیب الله و مطاع السلاطین، غیاث الإسلام، منصور عن أبیه محمد عن أبیه إبراهیم عن أبیه محمد عن أبیه إسحاق عن أبیه علی عن أبیه عربشاه عن أبیه امیران عن أبیه امیری عن أبیه الحسن عن أبیه الحسین الشاعر العریری عن أبیه عن علی النصیبی الشاعر عن أبیه زید الأعرج، عن أبیه محمد عن أبیه علی عن أبیه جعفر عن أبیه أحمد السکینی عن أبیه جعفر عن أبیه محمد السید عن أبیه زید الشہید الحریق عن أبیه زین العابدین عن أبیه الإمام الحسین عن أبیه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین». روضات الجنات، ج ۷، صص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۱. ر.ک: مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۳۰ و روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۷۸.

۲. ر.ک: روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۷۶ و طبقات اعلام الشيعة، ج ۴، ص ۲۵۴.

۳. میر قاضی احمد حسینی آورده است که شاه اسماعیل برای اتمام و تعمیر رصدخانه

سیره‌نویسان است؛ و آثار گوناگون برجای مانده از وی بهترین دلیل و گواه. از این روست که درباره‌ی عناوین و القاب مبالغه‌آمیزی چون: خاتم الحكماء، استاد بشر، عقل حادی عشر،^۶ غیاث الحكماء، ثالث العلمین (یا معلّم سوم)^۷ را به کار برده‌اند.^۸

همان گونه که از بیشتر آثارش برمی‌آید، وی را باید تداوم‌بخش مدینه‌نویس، شیراز که پدرش صدرالدین بنیانگذار آن بود، دانست. شیوه‌ی دفع دشمنی بیشتر اشراقی بود و عمده‌ی تلاشش دفاع متعصبانه، افراطی و متعصبانه از اندیشه‌های پدرش صدرالدین که در تعارض و تقابل با متکلم چیره‌دست معاصر او، جلال‌الدین دوانی بود.

شاید بتوان دوران زندگی پُر اراز و شیب و در عین حال پُر باروی را به سه دوره تقسیم کرد:

۱. دوران تحصیل

→ مراغه که توسط خواجه نصیرالدین طوسی بنا شده بود، دشمنی را فراخواند. ر.ک: خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴. اندک آثار پزشکی وی به عنوان کتابهای درسی مورد توجه پزشکان مسلمان قرار گرفت. قاضی نورالله شوشتری آورده است که کتاب شافیه وی را نیز علامه‌الدین محمود شیرازی فرا گرفته است. ر.ک: مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۱.

۵. ر.ک: روضات الجنّات، ج ۷، ص ۱۸۵.

۶. این عنوانی است که برای نخستین بار در مورد خواجه نصیرالدین طوسی به کار رفت.

۷. این عنوان بعدها برای میر داماد به کار رفت و از آن پس برای او متعین شد.

۸. ر.ک: روضات الجنّات، ج ۷، ص ۱۷۶؛ رحمة الأدب، ج ۴، ص ۲۵۸ و طبقات اعلام الشيعة، ج ۴، ص ۲۵۴.

۲. دوران صدارت

۳. دوران تدریس

۱. دوران تحصیل: از جزئیات دوران تحصیل وی آگاهیهای چندانی در اختیار نیست جز آنچه گذشت و اینکه به طور قطع بخشی از علوم و مبارف را از محضر پدر علامه اش - یعنی صدرالدین محمد سوم، مشهور به «پید سند» - فرا گرفته است.

۲. دوران صدارت: پس از روی کار آمدن صفویه و گرایش متعصبانه شیعی به آن، و از ارشاد برگسترش باورها و آموزه های امامیه، منصبی در دستگاه حکومت به عنوان «صدارت شرعی» لحاظ شد که می بایست یکی از علما عهده دار آن می شد؛ صاحب این منصب، در کنار تلاش در جهت بسط و گسترش آشنای دین، مسئولیت نظارت بر کلیه نهادهای دینی (اعم از قضایی، تبلیغی و اقتصادی نظیر موقوفات و ...) را نیز دارا بود.

در زمان شاه اسماعیل صفوی، نخستین گزینه برای این منصب، میر جلال الدین استرآبادی بود که در زمره فقها به شمار می آمد و با مباحث فلسفی میانه ای نداشت. از این رو، تلاشهای شاه صفوی برای خدمت گرفتن غیاث الدین که مناظراتی نیز با استرآبادی داشت، به ثمر نرسید. پس از شاه اسماعیل، شاه تهماسب جوان نیز تلاشهای پدر را ادامه داد. دشتکی این بار دعوت شاهانه را اجابت کرد. اما پس از مواجهه با استرآبادی زمینه را مساعد ندید و دوباره به شیراز بازگشت و همچنان

عهده‌ار ریاست مدرسه شیراز گردید.

در سال ۹۳۶ ق یعنی آن گاه که دشتکی به سن هفتاد سالگی رسیده بود و در اوج اقتدار و مقبولیت عامه قرار داشت، برای چندمین بار به دربار شاه صفوی در تبریز دعوت شد. با این تفاوت که این بار، در ظاهر، دیگر از مخالفان خبری نبود.

پس از پیروزی شاه از محقق کرکی که در آن دوران در نجف به سر می‌برد، این بزرگوار را به شرکت با دشتکی دعوت به عمل آورد. این دو در آغاز همکاری صمیمانه‌ای داشتند، اما به درازا نکشید؛ چه دستهای پنهانی با فتنه‌گری بتدریج آتش کینه بدینی را برافروختند و اختلاف میان آن دو را روز به روز تشدید کردند. متأسفانه مشاویه‌ها و منازعه‌های محقق کرکی و دشتکی به اوج رسید و در این امر که، و تحت تأثیر فضای سیاسی اجتماعی آن روزگار، شاه جانب محقق کرکی را که نماینده فکری فقها و علمای ظاهری بود گرفت و حکیم دشتکی به چهار از صدارت دو ساله خود کناره گرفت و تبریز را به قصد زادگاهش شیراز ترک گفت.

خشم و کینه شاه تمامی نداشت؛ او عرصه را چنان گنگ کرد که دشتکی و آن دسته از خویشان و نزدیکان وی که گرایش به فلسفی داشتند، به انزوا کشیده شدند. شماری مجبور به مهاجرت گردیدند و عده‌ای نیز به دلیل ترس از جان خویش به سرزمینهای همسایه مانند هند که به دارالآمان شهره بود، گریختند.

۳. دوران تدریس: دشتکی پس از بازگشت دوباره به شیراز در سال

۹۳۸ ق در دهه پایانی عمر خویش بیشتر هم خود را به تدریس، تألیف و تربیت شاگردان پرداخت. گرچه پیش از ورود به دربار نیز به این مهم اشتغال داشت.

شاگردان بسیار گرانقدری را پرورش داد که از آن جمله‌اند:

۱. شرف‌الدین، فرزند مهتر غیاث‌الدین که مقامات العارفین و رساله فی التصرف و الأخلاق را به نام او نوشت. شرف‌الدین بر خلاف پدر و دیگر برادرش تائیدی بر دانشهای عقلی نداشت و از اینکه با حکومت وقت همکاری داشت، آواره مورد نکوهش پدر واقع می‌شد.

۲. صدرالدین محمد، فرزند کهتر غیاث‌الدین

۳. تقی‌الدین ابوالنیر فزوسی با آثاری چون: صحیفه النور و خلاصه آن

طلیعة النور

۴. امیر ابوالفتح شریفی با حاشیه‌ای بر آداب البحث ایجی

۵. فخرالدین محمد استرآبادی با آثاری چون آداب المناظرة و الأسئلة

السماکیة، إثبات الواجب و حاشیه‌ای بر الهیات ابن سبید قوشچی

۶. کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی در گذشته ۹۵۰ ق نویسنده شرح

مفصل گلشن راز و شرح عرفانی و ذوقی بسیار گرانسنگ که نظیر منهج

الفصاحة بر نهج البلاغة

متأسفانه در فضای حکمت‌ستیزی و معارضه با حکما و فلاسفه،

دشتمی مورد بی‌مهری‌های فراوان قرار گرفت و کار بدانجا انجامید که

شماری غیرمنصفانه تمامی تلاشهای این حکیم فرزانه در راه بسط و

گسترش باورهای دینی را نادیده انگاشته و در تشیع و اعتقادات وی تردید کردند؛^۱ و برخی شماری از آثارش را به خود نسبت دادند.^۲

۲. دشتکی به روایت اشکوری

حاکم الحکماء و غوث العلماء، امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی؛ منشأ او و پیشش شیراز است؛ و مدتی نزد والد ماجد خود، صدر العلماء المحققین به کمال علوم نظریه و فنون فلسفیه اشتغال داشت و در فنون علوم به مرتبه اعلیٰ رسید و مؤلفات شریفه کثیره المنافع در علوم و معارف دارد که مشهور است به تحقیقات و لطائف. از آن جمله شرح هیاکل النور است و دیگر آثارش مرآة الحقائق است و در آن کتاب می‌گوید که بساطت و وحدت مبدأ اول در نزد ردیاد ترکیب و کثرت معلولات ازدیاد می‌پذیرد.

و مؤلف در شرح این عبارت گفته است که ردیاد، محقق شد که معنی وحدت در واحد حق، محض سلب کثرت است. از آنجا که او از هر جهت؛ و معلوم گردید که تعین و تحصیل سلوب صورت نمی‌گیرد. اگر نزد تعین سلوب عنه و مسلوبات جمیعاً، سرّ این گفتار منکشف می‌گردد.

۱. ر.ک: روضات الجنّات، ج ۷، ص ۱۷۷.

۲. خوانساری در روضات الجنّات (ج ۷، ص ۱۷۹) پس از ارائه فهرستی از نوشته‌های دشتکی می‌گوید: «علّت اینکه فهرست کامل آثار وی را معرفی کردیم آن است که برخی چون ابوالحسن کاشانی و میرزا جان شیرازی شماری از آثار غیر متداول او را به خود منسوب کرده‌اند.»